



فرهنگ وحی، خاستگاه علوم انسانی و تحول آن؛ با الهام از الگوی همایش زیارت پیاده اربعین

سیده فرشته مظفری^۱، سیده فرناز مظفری^۲

^۱حوزه علمیه خراسان، fsmozaffari@chmail.ir

^۲حوزه علمیه خراسان، sfmozaffari@chmail.ir

چکیده

علوم انسانی در مبانی هستی‌شناختی، معرفت‌شناختی، انسان‌شناختی، ارزش‌شناختی و روش‌شناختی خود وابسته به فرهنگ است. به همین دلیل علوم انسانی مبتنی بر فرهنگ یک جامعه، نمی‌تواند برای جامعه-ای با فرهنگی دیگر کاربرد داشته باشد؛ و این نقض غرض علوم انسانی خواهد بود.

فرهنگ مشترک و اصیل نوع بشر، فرهنگ فطرت است و دین اسلام و فرهنگ وحیانی آن، شکوفاشده‌ی فطرت می‌باشد. ابتدای علوم انسانی بر فرهنگ وحی می‌تواند ثمربخشی علوم انسانی را تضمین نماید.

مقدمه

همواره از علوم انسانی، پاسخگویی به سوالات اساسی انسان و اجتماع انسانها انتظار می‌رود. علمی که تمامی ساحت‌های وجودی انسان را مورد بررسی قرار می‌دهد و با توصیف و تبیین واقعیت‌ها، برای رسیدن به شرایط مطلوب، توصیه‌ها و تجویزات خویش را ارائه می‌کند. عوامل بسیاری موجب می‌گردد تا صاحب نظران علوم انسانی در بسیاری از مسائل آن (از تعریف علم گرفته تا جزئی‌ترین مسائل) اتفاق نظر نداشته باشند. برخی از این عوامل از ویژگی‌های منحصر به فرد موضوع علوم انسانی یعنی شئون انسانی انسان است؛ بدین معنا که وجود کنش‌هایی که با نیت و انگیزه‌های خاص مورد اراده‌ی فردی قرار می‌گیرد و با اختیار خویش آن را تحقق می‌بخشد و همین کنش با نیت و انگیزه‌ی دیگری از سوی فرد دیگری صادر می‌گردد، یکی از عواملی است که تصمیم‌گیری در مورد قواعد کلی علوم انسانی را با دشواری مواجه می‌سازد. بعلاوه، تفاوت‌های چشمگیری که کنش‌های یک فرد در موقعیت‌ها و شرایط زمانی و مکانی و عاطفی گوناگون، مطالعات علوم انسانی را به لایه‌های عمیق‌تری از وجود انسان سوق می‌دهد.

مقصود آنکه چنانچه بخواهیم همواره تجربه و آزمایش را روش رایج علوم انسانی به حساب آوریم، از شناخت حقایق عالم اکبر که همان روح انسانی است [۱] محروم خواهیم ماند. لذا طی سطور این تحقیق، روشی دیگر را تبیین می‌کنیم که به غنا و ثمربخشی نتایج آن می‌توان یقین کرد.

جامعه‌ی زوآر پیاده‌ی اربعین حسینی، بهترین شاهد و الگوی عملی از تحقق اهدافی است که علوم انسانی برای نیل آنها تلاش می‌نماید. آرامش خاطر، رضایت‌مندی، نشاط، هدفمندی، تهذیب اجتماعی و... از مفاهیم ایده‌آل علوم انسانی است که به جهت تبلور فرهنگ وحی بر محوریت تویی و تبری حجت خدا، در همایش راه‌پیمایی اربعین تحقق یافته اند. با مهندسی معکوس این پدیده، می‌توان پایه‌های نظری و مبانی فرهنگی نوینی برای تکوین و تدوین علوم انسانی استخراج نمود. **واژه های کلیدی:** علوم انسانی- فرهنگ وحی- مهندسی معکوس فرهنگی- همایش پیاده‌روی اربعین.

رابطه‌ی فرهنگ و علوم انسانی

آنچه از فرهنگ در این تحقیق مدنظر است تعریفی است که علامه جعفری رحمه الله ارائه کرده‌اند: «کیفیت پایسته و شایسته برای اعمال و حرکات انسان که عقل سلیم بدان حکم نموده و احساسات متعالی آن را پشتیبانی نماید تا انسان به این واسطه به تکامل خود در زندگی برسد» [۲]. چنین فرهنگی در هرکجا یافت شود، به جهت آنکه ریشه در حیات معقول انسان‌ها دارد، قابلیت تجلی یافتن در قواره‌ی یک تمدن و مدنیت ملازم با آن را خواهد داشت. لذا برای رسیدن به تمدن مطلوب خویش، ابتدا به علوم مورد نیاز به طور عام و به علوم انسانی به طور خاص نظر می‌افکنند. فرهنگ آن بستری است که ابعاد معرفت-شناختی، انسان‌شناختی، جهان‌شناختی و به طور کلی جهان‌بینی و ایدئولوژی علوم انسانی را تعریف و تعیین می‌نماید. پس از آن، علوم انسانی آنگونه به جهان و انسان می‌نگرد که فرهنگ به او ارائه کرده است. لذاست که اهمیت خودساختگی و پیراستگی از هوس‌ها و تعصب‌ها برای دانشمندان علوم انسانی چندین برابر می‌گردد؛ تا تاثیر فرهنگ‌های باطل و انسان‌ستیز و سعادت‌سوز بر نتایج افکار و تحقیقات ایشان به حداقل ممکن برسد.

از سوی دیگر علوم انسانی‌ای که در بستر فرهنگ نشو و نما یافته است، پس از طی مراحل، رشد فرهنگ را رقم خواهد زد. حرکت گام به گام فرهنگ برای گسترش یافتن جهان‌بینی و ایدئولوژی آن در سطح جوامع، با ریل‌گذاری علوم انسانی محقق‌شدنی است. لذا یک رابطه‌ی دوسویه بین فرهنگ و علوم انسانی و بین این هردو با تمدن‌سازی برقرار است.